



تاریخ تکامل ادبیات ترکی آذربایجان و ترکیه در همگنی با ادبیات فارسی در قرن  
شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی

PROF. DR. GHADİR GOLKARIAN \*

Öz

16. yy'da İran coğrafyası önemli olaylara tanık olmuştur. Nitekim 1502 yılında Şeyh Safiyyüddîn Erdebilî ailesinden olan Şah İsmail Safevî 12 yıl boyunca gösterdiği çaba, yiğitlik ve başarıları sonucu iktidar tahtına oturmuş, saltanatı ele geçirmiştir. 50 yıllık bir süreçte tüm gücüyle ağalık ve aşiret reisliği sistemini kökünden yok etmiş, sonunda Tebriz'de saltanat tacını giymiştir. İktidar döneminin en önemli sonuçları ve en kalıcı olay ise Şiilik mezhebini yaymaktır. Çünkü Şiiliğin ülkenin ulusal ve dinsel birliğinde önemli faktör olduğuna inanarak günden güne önemini arttırmaya çalışmıştı. Böylece, dinsel ve aynı zamanda merkez eksenli tek bir devletin alt yapılarını oluşturabiliyordu.

Şah İsmail iktidar döneminde iki önemli noktayı hep göz önünde tutmuştur. İran tarihinin en önemli gelişmeleri arasında yer alan bu iki gelişme Şiiliğin geldiği konum ve Türkçenin eriştiği makamdır. Zira birinci konu kurduğu devletinin temelini oluşturuyor, ayrıca ulusal-dinsel açıdan vatandaşlar arasında birliği sağlıyordu. Bu bağlamda gösterdiği gayret sonucu İran'da yaşamakta olan etnik gruplar renk, dil, soy ve diğer ayrıştırıcı faktörlere bakmaksızın "Tek İran ulusu" olarak ortaya çıkıvermişti. Şah İsmail'in politikasının temelini "Tek yöntem, tek dil" oluşturuyordu. Başka bir deyişle, bu temele dayanarak devletinin güçlenmesini ve aynı zamanda kendi saltanatının temelini sağlam kalmasını garanti ediyordu.

\* PROF. DR. GHADİR GOLKARIAN, Yakın Doğu Üniversitesi Edebiyat Fakültesi, Eski Türk Edebiyatı Anabilim Dalı başkanı. Email: ghadir.golkarian@neu.edu.tr.

İkinci konuya gelince, dil faktörü Safevilerin ülke yönetimindeki önemli mekanizmalarından biri sayılıyordu. Zaten Şah İsmail kendisi bizzat Türk'tü. Bu nedenle İran sınırları içerisindeki Azerbaycan Türklerini İran'a göç etmiş olan diğer Türklerle birlikte kendi devletinin korumasında yararlanmayı tercih ediyordu. Bu bağlamda, işin sonuca varması ve istenileni sağlaması bakımından "dil" faktörü önem arz ediyor, ulusal şuru uyandırmak ve güçlendirmek açısından devlet tarafından önemseniyordu. Böylece, Şah İsmail tüm Türk halklarını bu politikayla bir araya getirip onlardan ülkenin siyasi gücünü sağlama almak amacıyla faydalanmış ve ülke idaresinin üst mevkilerini; ülkenin askeri gücü ve önemli ordularını işte bu siyaset gereği Türklere bırakmıştı. Kurduğu askeri sistemi güçlü, düzenliydi. Şamlı, İstancı, Zülkadr, Kaçar ve Arsak(Erseg) kavimleri ise Şah İsmail'in askeri gücünün ana kaynağı sayılıyorlardı. Yani, bu Türk boyları Safevî iktidarının siyasal ve güvenlik kollarını oluşturuyorlardı.

**Anahtar Kelimeler:** Şah İsmail Safevî, Türkçe, Şiilik, Edebi gelişim.

#### ABSTRACT

In the 16<sup>th</sup> century the Iran witnessed significant events. In fact, in 1502, the Shah Ismail Safavi, a member of the Sheikh Safi-addin Ardebili family or Safavid Dynasty has shown efforts, bravery and successes for 12 year and are sitting on the throne of power, seized the sultanate. In a period of 50 years, he completely destroyed the system of landholding and tribal chiefs with all his power, and eventually he wore a sultanate in Tabriz. The important event from the results of his rule was spreading the sect of Shiism. Because Shiism believed that it was an important factor in the national and sectarian unity of the country, it tried to increase its significance from day to day. Thus, they could create sub-structures of a religious and, at the same time, centralized state.

Shah Ismail always kept two important points in mind during his rule. A) Shiism B) Turkish. The first issue was the foundation of the state that he founded, and the Nationalism- Sectarian factors was providing unity among the citizens. In this context, the endeavoring ethnic groups living in Iran have emerged as "the only Iranian nation" irrespective of color, language, race and other separating factors. Shah Ismail's policy was based on "One governance method, one language". In other words, on the

basis of this principle, the state was strengthened and at the same time the foundation of its reign was guaranteed. As for the second issue, the language factor was considered one of the important mechanisms of the Safavids in the country. Already Shah Ismail himself is a Turk. For this reason, he was using the Azerbaijani Turks in the Iranian borders with other Turks who had migrated to Iran to protect their own state. The "language" factor was important to get results. Because of this factor, national consciousness awakened and strengthened. This matter was important for the state. Thus, Shah Ismail brought all Turkic peoples together with this policy and benefited from them in order to provide the political power of the country. The top positions of the country administration were left to the Turks. As a matter of fact, the military power of the country and its important armies were left to the Turks due to this policy. His military system was strong, orderly and well structured. The people of Shamlu, Scani, Zulqadr, Qajar and Arsak (Erseg) were considered to be the main source of Shah Ismail's military power. In other words, these Turkish tribes constituted the political and security branches of the Safavid government.

**Keywords:** Shah Esmail Safavi, Turkish, Shiism, Literary development

### چکیده

اراضی ایران در قرن شانزدهم میلادی شاهد حوادث عظیمی بود. زیرا در سال ۱۵۰۲ میلادی شاه اسماعیل صفوی از سلاله شیخ صفی الدین اردبیلی بعد از ۱۲ سال تلاش و نشان دادن غیرت و مردانگی و جسارت تمام به قدرت و سلطنت رسیده بود. او با تمام توانش مدت ۵۰ سال ریاست خوانین و عشیره ای را برچیده و در تبریز بر تخت سلطنت جلوس نموده و تاجگذاری کرده بود. در کنار این، مذهب شیعه را به عنوان عاملی در وحدت ملی - مذهبی کشور بزرگ ایران در نظر گرفته و بر گسترش و اهمیت آن افزوده بود. بدین ترتیب زیر بنای حکومتی دینی و درعین حال واحد و مرکز گرا را بنا نهاده بود. شاه اسماعیل در زمان سلطنت خود به دو نکته اساسی بیش از هر چیزی اهمیت می داد. الف) مذهب شیعه ب) زبان ترکی. زیرا نخستین نکته اساس حکومت او را شکل می بخشید و از عوامل مهم در شکل گیری و وحدت گرایی ملی - مذهبی وی بر شمرده می شد. در سایه این نکته بدون توجه به نژاد و رنگ و زبان می توانست تمامی اقوام ایرانی

گرد هم بیاورد. سیاست اصلی شاه اسماعیل صفوی بر محور "یک رویه و یک زبان" می‌گشت. به عبارتی دیگر، پرداخت به این نکته اساسی می‌توانست به قدرت یافتن و ترقی بنیانهای حکومتی شاه اسماعیل صفوی منجر شود.

عامل زبان ترکی از دیگر مکانیزمهای مهم سیاست و کشورداری حکومت صفویان به شمار می‌رفت. شاه اسماعیل صفوی که خود ترک بود، سعی بر آن داشت که تمامی ترکهای آذربایجان و سایر ترکهای ایران را که به اقصی نقاط کشور کوچ کرده بودند، گرد هم آورده با کمک آنان پایه های اقتدار حکومتی خود را تقویت نماید. او برای نیل به خواسته سیاسی خود از موضوع زبان به خوبی استفاده کرده و آن را به عنوان بیداری سازی و ارتقای شعور ملی در میان ترکهای ایران مورد بهره گیری قرار داد و توانست اقوام ترک ایرانی را به عنوان بالاترین و موثرترین نیروی قدرت سیاسی کشور بکار گیرد. نیروی نظامی و به عبارتی سپاهی را که شاه اسماعیل صفوی اقدام به تشکیل آن نمود. او با یک دست کردن ارتش خود از این طریق می‌خواست از نیروی مقتدر، منظم و متشکل برخوردار گردد. مردان قبایل شاملو، استانجو، روملو، افشار، ذوالقدر، قاجار و آرساک (ارسق) از عمده نیروهای سپاه شاه اسماعیل صفوی بر شمرده شده و امنیت اقتدار سیاسی کشور را به عهده آنان نهاده بود.

**کلید واژه ها:** شاه اسماعیل صفوی، زبان ترکی، مذهب شیعه، تحول ادبی.

#### مقدمه

اراضی ایران در قرن شانزدهم میلادی شاهد حوادث عظیمی بود، زیرا در سال ۱۵۰۲ میلادی شاه اسماعیل صفوی از سلاله شیخ صفی الدین اردبیلی، بعد از ۱۲ سال تلاش و نشان دادن غیرت و مردانگی و جسارت تمام به قدرت و سلطنت رسیده بود. او با تمام توان خود ۵۰ ریاست خوانین و عشیره ای را برچیده و در تبریز بر تخت سلطنت جلوس نموده و تاجگذاری کرده بود. در کنار این، مذهب شیعه را به عنوان عاملی در وحدت ملی - مذهبی کشور بزرگ ایران در نظر گرفته و بر گسترش و اهمیت آن افزوده بود. بدین ترتیب زیر بنای حکومتی دینی و درعین حال واحد و مرکز گرا را بنا نهاده بود.

شاه اسماعیل در طول دوران اقتدار خود به دو نکته اساسی بیش از هر چیز دیگری اهمیت می داد: الف) مذهب شیعه ب) زبان ترکی؛ زیرا این دو، به اساس حکومت او شکل می بخشید و از عوامل مهم در شکل گیری و وحدت گرایی ملی - مذهبی وی به شمار می آمد. در سایه این امر، وی بدون توجه به نژاد و رنگ و زبان، می توانست تمام اقوام ایرانی را که در آن زمان از سرحدات افغانه گرفته تا شرق آسیای صغیر و همچنین از قفقاز گرفته تا جنوبی ترین حاشیه خلیج فارس را در یک قالب ملی - مذهبی قرار دهد و به سهولت آنان را در مرکزیت اقتدار خویش اداره کند. سیاست اصلی شاه اسماعیل صفوی بر محور «یک رویه و یک زبان» می گشت. به عبارتی دیگر، پرداخت به این نکته اساسی می توانست به قدرت یافتن و ترقی بنیان های حکومتی شاه اسماعیل صفوی منجر شود.

دومین نکته حائز اهمیت که زبان ترکی بود، از دیگر محورهای مهم سیاست و کشورداری حکومت صفویان به شمار می رفت. شاه اسماعیل صفوی که خود ترک بود، سعی بر آن داشت که تمامی ترک های آذربایجان و سایر ترک های ایران را که به اقصی نقاط کشور کوچ کرده بودند، گرد هم آورده، با کمک آنان پایه های اقتدار حکومتی خود را تقویت نماید. او برای نیل به خواسته سیاسی خود، از موضوع زبان به خوبی استفاده کرده و از آن در جهت بیدارسازی و ارتقای شعور ملی در میان ترک های ایران بهره گیری کرد و توانست اقوام ترک ایرانی را به عنوان بالاترین و مؤثرترین نیروی قدرت سیاسی کشور به کار گیرد. نیروی نظامی و به عبارتی سپاهی را که شاه اسماعیل صفوی به تشکیل آن اقدام نمود، غالباً از ترک های مختلف اراضی ایران بزرگ بود. او با یک دست کردن ارتش خود از این طریق می خواست از نیروی مقتدر، منظم و متشکل برخوردار گردد. مردان قبایل شاملو، استانجو، روملو، افشار، ذوالقدر، قاجار و آرساک (ارسق) از نیروهای عمده سپاه شاه اسماعیل صفوی شمرده شده و امنیت اقتدار سیاسی کشور را بر عهده آنان نهاده بود.

### سیاست شاه اسماعیل در روند رشد زبان ترکی

مردان قبایلی که از آنها یاد شد، در واقع همان نیروی «قزلباش» بودند که در زمان شیخ حیدر، پدر شاه اسماعیل در خدمت خاندان صفوی بودند. در آن زمان شیخ حیدر با تأکید بر این که همه آنان از نژاد ترک هستند، اصرار داشت تمامی طرفداران و حامیان

از اقوام ترک‌نژاد باشند و از این جهت، بر موضوع شعور ملی آنان بیش از هر چیزی اهمیت می‌داد. وی کلاه‌های سرخ‌رنگی تهیه و بر استفاده از آن تأکید کرده بود تا هم بتواند آنان را از دیگران متمایز سازد و هم تمامی سپاهیان خود را که آنها را «قزلباش» می‌نامیدند، به راحتی بشناسد. از طرفی با اعتقاد به فلسفه شهادت در مذهب شیعه و توسل به حضرت سید الشهدا، وجود رنگ سرخ، معنای معنوی دیگری نیز برای سپاه قزلباش به همراه داشت. آنان با این رنگ، روحیه شهادت طلبی، فداکاری در راه دین و خون دادن به پاس شعایر مذهبی را نیز به نمایش می‌گذاشتند. در واقع قزلباش‌ها هم تمثالی از ملیت و هم نمادی از اعتقادات مذهبی اقتدار صفوی بر شمرده می‌شدند.

ناگفته نماند که عامل اصلی اقتدار شاه اسماعیل صفوی، سپاه قزلباش بود و در عین حال هسته اصلی نظام سیاسی او را نیز تشکیل می‌داد. یکی از اساسی‌ترین دلایل نزدیکی میان شاه اسماعیل و سپاهیان، همانا تکلم به زبان ترکی و دفاع از آرمان‌های دینی - ملی بود. همین برخورد و سیاست، بخصوص در نظام حکومتی شاه اسماعیل صفوی موجب شده بود که در دیگر مناطق اطراف و اکناف ایران نیز رؤسا و ملاکین برای نفوذ به سیستم سیاسی کشور به فراگیری زبان ترکی علاقه‌مند شوند و این زبان را به‌خوبی تکلم نمایند. تحریک شدن به فراگیری زبان ترکی در میان مسئولان رده پایین، برای رسیدن به موقعیت‌های خوب در رده‌های بالا و همچنین دیگر افراد ساکن در مناطق مختلف ایران، منجر به گسترش سریع زبان ترکی در تمام نقاط تحت حکومت شاه اسماعیل صفوی شده بود. در این دوره زبان ترکی با تمام قدرت به رشد و توسعه خود افزوده و جان تازه‌ای یافته بود. زیرا سخن گفتن به زبان ترکی و نوشتن به این زبان، نه تنها عاملی برای مباحثات در رفتار و گفتار، بلکه حتی منبع افتخار ملی نیز شمرده می‌شد. از سویی شاه اسماعیل که خود شاعرپیشه بود، نه تنها اشعارش را به ترکی می‌نوشت؛ بلکه دیگر شعرا و ادبا را نیز برای ترکی نوشتن ترغیب و تشویق می‌کرد. او در اشعارش از تخلص «ختایی» بهره می‌جست.

شاه اسماعیل صفوی و یا به عبارتی «ختایی» بیشتر اشعارش را به طرز مناقب، یعنی تعریف و تمجید از حضرت علی و اولیای آن می‌سرود. در زمان وی بود که در ادبیات ترکی

برای نخستین بار قالب شعری «قوشما»<sup>1</sup> پدیدار شد. در این قالب شعری، اشعار به صورت دوبیتی ۱۱ هجایی نوشته می‌شد که امروزه نیز در میان مردم آذربایجان و شاعران آن رواج دارد. بنابراین، می‌توان شاه اسماعیل ختایی را پیش‌قراول سبک شعری قوشما در نظر گرفت. از آن زمان به بعد، پهنه شعر آذربایجانی روز به روز به پیشرفت و توسعه خود ادامه داد. البته باید گفت که سبک شعری قوشما تنها در میان شاعران ترکی‌زبان آن زمان ایران رواج داشت و به کار می‌رفت. هر شعر قوشما از ۲ یا ۵ بند تشکیل می‌شد که نمونه‌ای از آن به این ترتیب است:

هرکیم شیخ صفی نین امرینی توتماز      یورولور بو یولدا، منزله چاتماز  
غیر ملت اونا اعتبار ائتمز      جمله عبادتین باشیدر توحیدا!

در آن زمان اشعار نغز و عاشقانه نیز با وزن هجایی نوشته می‌شد و از دو بیت‌های هشت‌هجایی تشکیل می‌شد که به آنها «قوشما» و «گرایلی» گفته می‌شد. این گونه اش از دو بیت‌های هفت‌هجایی تشکیل می‌شد، نام «بایاتی» و «خویرات» به خود می‌گرفت. البته ناگفته نماند که شاه اسماعیل صفوی، خود شاعری غزل‌سرا شمرده می‌شد. غزل‌هایی که وی در آن روزگار به زبان ترکی آذربایجانی نوشته است، ز نظر ادبا و دانشمندان ادبیات ترکی، امروزه نیز قابل توجه و تأمل است. دیوان شاه اسماعیل ختایی که از منظومه‌های ترکی او تشکیل یافته است، نه تنها از نظر سبک‌شناسی، بلکه از دیدگاه شناخت تاریخ کهن ادبیات ترکی آذربایجانی نیز دارای اهمیت است. وی در زمان اقتدار خود، با دیگر سلاطین ترک در آسیای صغیر یا ترکیه فعلی به زبان ترکی مکاتبه می‌کرد و مکتوبات او با سلطان مراد چهارم و سلطان سلیم عثمانی در زمره آثار مهم باقی‌مانده از آن زمان در موزه‌های کشورهای ایران و ترکیه موجود می‌باشد.

### چگونگی ورود ادبیات فارسی به ادبیات ترکی

شاه اسماعیل صفوی زمانی که شهر تبریز را از اشغال سلطان مراد عثمانی که از طایفه آق‌قویونلو بود بازپس گرفت، بیرق مذهب شیعه را در تبریز به اهتزاز درآورد. متأسفانه برخی از ادبا و شاعران ترکی که با ادبیات فارسی سر و کار داشتند و دارای مذهب سنی

به معنای شبیه‌سازی، ساخت و ترتیب بندی است<sup>1</sup>

بودند، به همراه عقب‌نشینی اردوی اشغالگر عثمانی شهر تبریز را ترک کردند و به دلیل ترس از تمایز دینی حکومت، در خاک آناتولی مسکن گزیدند. بدین ترتیب ادبیات فارسی در پیکره ادبیات ترکی در سرزمین‌های آناتولی نفوذ کرد و در نهایت، در قرن ۱۷ میلادی، ادبیات ترکی با کمک گرفتن از ادبیات و الفاظ و کلمات فارسی، رونق و توسعه خاصی یافت. شاعران ترک آذربایجانی که به سرزمین‌های آناتولی مهاجرت کرده بودند، بستر گسترش زبان فارسی در زبان ترکی را فراهم کرده بودند. بعد از این حادثه، ادبیات دیوانی و یا اشعار نغز و دارای قالب و وزن شعری در آناتولی نیز رونق یافت. تا آن هنگام، ادبیات ترکی آناتولی فاقد دیوان شعری بود و با بهره‌گیری از عروض و قافیه در ساختار اشعار شاعران ترک، جوانه‌های ادبی تازه و زیبایی پدیدار شد. در واقع می‌توان با بررسی ادبیات دوره شانزدهم و هفدهم میلادی سرزمین‌های عثمانی، چنین رونق و رشدی را تأیید کرد. در واقع وجود سبک هندی در ادبیات دیوانی آناتولی از این تأثیرات فرهنگی - اجتماعی سرچشمه گرفته است. شعرای فارس‌زبان و یا مهاجران ترک فارسی‌شناس، الگوهای قالب شعری فارسی حکمی و سبک هندی را بر زبان ترکی نفوذ دادند و به این ترتیب، شعر ترکی با قالبی تازه پیوند یافت و جان تازه‌ای گرفت. به عبارتی روشن‌تر باید گفت که شعرای ایرانی مهاجر به اراضی آناتولی، برای حفظ جان خود، اقدام به مهاجرت نموده، اما عملاً توانسته بودند در زمان اقتدار عثمانی‌ها، در سرزمین‌های ترک‌نشین آناتولی ریشه‌های ادبیات فارسی را نفوذ و گسترش دهند. از طرفی ادبای مشهور و شاعران برجسته و در عین حال متنفذ در دربار عثمانی، با الهام از سبک هندی توانستند به سهولت زمینه تأثیر لغات و نظام دستوری زبان فارسی بر زبان و ادبیات ترکی را فراهم بیاورند. این نفوذ و علاقه به اندازه‌ای رونق و گسترش یافته بود که موجب شد شاهان دربار عثمانی در مکاتبات خود با شاه اسماعیل صفوی از زبان فارسی استفاده کنند.

در این میان باید به سه نکته اساسی و سه دلیل عمده در استفاده شاهان عثمانی از زبان فارسی در نگارش و مکاتباتشان اشاره نمود. دلیل نخست این است که اصحاب دربار و مقامات در نزد پادشاهان عثمانی کسانی بودند که به فارسی و ادبیات آن آشنایی داشته و بیشتر مقامات از جمله شیخ‌الاسلام‌ها و وزرا و فرمانداران به این زبان آشنایی داشتند و برای رسیدن به این مقام و کسب قرب در نزد پادشاهان عثمانی برخوردار از موهبت و آشنایی به زبان فارسی و لغات آن می‌توانست زمینه ارتقای شغلی و مسندی آنان را فراهم



بیاورد. دلیل دوم گرایش اهل دربار و ادبا به خود زبان فارسی مربوط می شود، زیرا استفاده از الفاظ و جملات فارسی، به نوعی موجب برجستگی شخصیت فرد به شمار می آمد. دلیل سوم نیز، استفاده از منابع علمی، فلسفی، دینی علمای ترک از منابع نوشتاری زبان فارسی است.

همین قضیه حالت عکس خودش را در سرزمین های تحت اقتدار صفویان بر جای می گذاشت. در نتیجه افول رو به گسترش اقتدار دولت عثمانی و از سویی بر هم خوردن نظم اجتماعی و سیاسی در آناتولی، بسیاری از ادبا و علمای ترک به ایران مهاجرت نموده و به دلیل حس ملی گرایی حکومت صفوی در حمایت از ترک ها، جایگاه ویژه ای برای این گروه فراهم شده بود. بنابراین، حضور متداوم ادبای ترک در داخل ایران و حتی نفوذ و ارتقای آنان تا سطوح بالای حکومت صفویان، منجر به گسترش ادبیات ترکی در ایران شده بود. بعد از دوران اقتدار سلجوقیان، زبان ترکی هرگز این اندازه از رشد و گسترش کافی برخوردار نشده بود. اما در دوران صفویان زبان و ادبیات ترک در سرزمین های ایران و بخصوص اراضی آذربایجان رونق فراوانی یافت. از سویی تغییر پایتخت حکومت صفویان از تبریز به اصفهان نیز منجر به گسترش زبان ترکی آذربایجانی به سایر نقاط ایران گردید.

«حبیبی»، شاعر متولد برگشاد در دربار صفویان به عنوان استاد زبان فارسی به موقعیت بالایی رسیده بود. تا به امروز هیچ دیوان و مجموعه ای از وی در دست نیست، اما در زمان صفویان به او لقب «ملک الشعرا» داده شده بود. نام و عنوان او را در بسیاری از اسناد تاریخی مربوط به دوران صفویان می توان یافت. گذشته از این، «محمد امین سلطان ترکمن» و برادرش، «محمد مؤمن بیگ» نیز از دیگر شاعران فارسی گو و ترکی گوی دربار صفوی هستند که توانسته بودند از عزت و قربت بسیار زیاد پادشاه صفوی برخوردار شوند.

«مولانا کربلایی علی راغب افندی (راغب تبریزی)»، «عقیقی شیروانی»، «قاضی اورجی مراغه ای» نیز از دیگر شاعران این دوره محسوب می شوند. این شاعران تسلط بسیاری بر زبان و ادبیات فارسی و ترکی داشتند و اشعارشان را به این دو زبان می نوشتند. «صادق افشار»، ملقب به «صادقی» نیز از جمله ادبای دوران اقتدار صفویان بود که توانست آثاری به نظم و نثر بنویسد. برخی از آثار او نیز به زبان ترکی جغتایی بوده است. «دیوان ترکی» و «منشآت ترکی» باقی مانده از وی هنوز هم مورد توجه کارشناسان و محققان ادبیات

ترکی امروزی است. به غیر از این، مهم‌ترین اثر باقی‌مانده از وی به نام «تذکره مجموعه الخواص» می‌باشد.<sup>2</sup>

### نتیجه

با توجه به شرایط موجود سیاسی - اجتماعی در قرن شانزدهم و ادامه آن در اوایل قرن هفدهم، علی‌رغم این که زبان ترکی در ایران با روی کار آمدن حکومت صفویان رونق خاصی یافت، در سرزمین آناتولی و دولت عثمانی نیز ادبیات فارسی گسترش وافری داشت. ادبایی همچون «حقیری»، «جامی»، «هاتف» و «فردی ادبیلی» از جمله شاعرانی هستند که نامشان در ساحة ادبیات ترکی - فارسی چون ستاره‌هایی می‌درخشد. «فضولی»، «محمد ابن سلیمان بغدادی»، «محمد حسین کاتب نشاطی»، «ملا حسین واعظ کاشفی»، «روحی انرجانی» و در اوایل قرن هفدهم میلادی، «صائب تبریزی» از جمله دیگر ادبای مشهوری هستند که هم به زبان ترکی و هم به زبان فارسی خدمات شایانی کرده‌اند. به طور مثال «صائب تبریزی» به عنوان یک شاعر ترکی علاقه‌مند به سبک هندی در شعر زیر قدرت خود را نشان می‌دهد:

**توتولموش گوئلومو جام‌ایله شادان ایلمک اولماز**

**ال‌ایلن پسته‌نین آغزین کی خندان ایلمک اولماز**

در مقابل، ادبایی همچون «نفعی»، «نشاطی»، «شیخ الاسلام یحیی»، «شیخ الاسلام بهایی»، «ناتلی»، «ثابت»، «عظیم‌زاده حالتی»، «ذاتی»، «خیالی»، «نبی»، «باقی»، «نوی»، «روحی بغدادی»، «فغانی»، «کمال پاشازاده»، «محبی»، «یحیی طاشلیجالی» و ... نیز با توسل به ادبیات فارسی، خدمات شگرفی را به این زبان و ادبیات در ساحة ادبیات ترکی کرده و نقش پل‌های ارتباطی را در میان زبان‌های ترکی و فارسی ایفا نموده‌اند. با نگرشی نه چندان عمیق به زبان ترکی امروزی در لهجه‌های آذربایجانی و آناتولی، نقش این همگنی و همسویی را می‌توان به‌روشنی دید. غالب لغات کاربردی امروزی در زبان

این اثر به توسط پروفیسور دکتر عبدالرسول خیامی به صورت فارسی ترجمه شده و از سوی دانشگاه تبریز به چاپ رسیده است.

ترکی آذربایجانی و یا آناتولی که به نام ترکی استانبولی شناخته می‌شود، ریشه فارسی داشته و بی‌توجهی به آنها و یا کنار نهادن آنها می‌تواند دشواری‌های بسیار بزرگی در ادبیات و زبان ترکی آذربایجانی یا آناتولی ایجاد نماید.<sup>3</sup>

بنابراین، به نظر می‌رسد توسل به کنش‌های ملی، نه تنها باعث دگرگونی شرایط پنداری و رفتاری متکلمین دو زبان فارسی و ترکی خواهد شد، بلکه زمینه را برای بروز برخی واکنش‌های نادرست و توأم با اشتباهات تاریخی و چه بسا متظاهر شدن ادعاها و تحریف‌های تاریخی بدون سند فراهم خواهد کرد و این زیان و خسرانی عظیم برای نسل آینده خواهد بود. بدیهی است در چنین شرایطی قرابت جای خود را به دگرگونی داده و دگردیسی این دو زبان و ادبیات بدون این که همراه با تکامل باشند، به سوی قهقرا حرکت خواهند کرد. چه بخواهیم، چه نخواهیم، این دو زبان چنان به هم در آمیخته و با هم به صورت موازی مسیر تکاملی خود را می‌پیمایند که انکار آن و حرکت علیه این همگنی، نوعی دشمنی با واقعیت و در عین حال فریب دادن خود با پندارهای متعصبانه است. شرایط به گونه ای است که زبان ترکی امروزی با همراهی زبان فارسی، قابل درک و فهم می‌باشد. برای حسن ختام، شعری از «نفعی» را در زیر می‌آوریم:

اسدی نسیم نوبهار، آچیلدی گوللر صبحدم  
 آپسون بزمده گؤنلوموز ساقی مدد صون جام جم  
 بو دمده کیم شام و سحر میخانه باغه رشک ائدر  
 مست اولسا دلبر، سوسا گر معذور دور شیخ الحرام  
 یا نیله‌سون بیچاره لر، آفتسه لر، آواره لر  
 ساغر صونا مهپاره لر، نوش ائتممک اولور ستم

پروفسور دکتر مینه منگی، "تاریخ ادبیات قدیم ترک" انتشارات آچه، آنکارا ۲۰۱۱ ص. ۱۴۹<sup>3</sup>